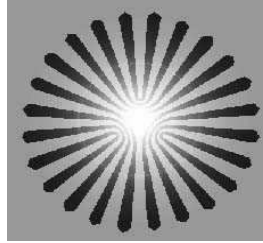


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**دانشگاه پیام نور**  
**دانشکده الهیات و علوم اسلامی**  
**گروه علمی فقه و مبانی حقوق**

**عنوان پایان نامه:**  
**تدلیس ناشی از معالجات پزشکی در ازدواج و احکام و آثار فقهی آن**

**نگارش: طاهره امینی زهان**

**استاد راهنما: دکتر سیدابوالقاسم نقیبه**

**استاد مشاور: دکتر محمد حسین شعبانی**

**پایان نامه**  
**برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته**  
**فقه و مبانی حقوق اسلامی**

**سال ۱۳۹۰**

دانشگاه پیام نور  
دانشکده الهیات و علوم اسلامی  
گروه علمی فقه و مبانی حقوق

عنوان پایان نامه:  
تدلیس ناشی از معالجات پزشکی در ازدواج و احکام و آثار فقهی آن

نگارش: طاهره امینی زهان

استاد راهنما: دکتر سیدابوالقاسم نقیبه

استاد مشاور: دکتر محمد حسین شعبانی

پایان نامه  
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته  
فقه و مبانی حقوق اسلامی

سال ۱۳۹۰

تقدیم به :

ساحت مقدس منجی عالم بشریت

"امام زمان (عج)"

و روح پدر و مادر فداکار و خواهرانم

و همسر عزیزم و دخترم "فاطمه"

و همه آنانی که دوستشان دارم.

## تشکر

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق  
کسی که از مخلوق تشکر نکند، از خالق تشکر نمی کند.

سپاس و ستایش بیکران بر قادر متعال هستی، آن خدای یگانه رحمان، او که در روی کره ای متحرک و لرزان، معلق و آویزان، حیات را رقم زد و بشر را پدید آورد تا ظلمتکده تیره و تاریک زمین را به نور صفا زینت بخشد و در میان خرابی و ویرانی عمرانی و آبادانی پدید آورد. و این بنده حقیر و ناچیز را نیز به عنوان جزء کوچکی از هستی مرهون لطف و کرم خویش قرار داد و توفیق علم آموزی و قرار گرفتن در این مسیر پر خیر و برکت را برایم فراهم نمود. و درود و رحمت بی پایان به روان مطهر رسولان و پیغام آورانش، مخصوصاً اشرف و خاتم آنها حضرت محمد مصطفی و بر خاندان و عترت معصومین آن حضرت، که همگان عمر عزیز خود را در راه رسانیدن انسان به اوج تکامل و سعادت مصروف داشتند. و با سپاس و تشکر فراوان از تمامی کسانی که در تهیه و به ثمر رسیدن این تحقیق، بنده حقیر را یاری کردند از جمله استاد راهنمای گرامی جناب آقای دکتر نقیبی که در تمامی مراحل نگارش این پایان نامه از راهنماییهای موثر و مشفقانه ایشان بهره گرفتم کمال تشکر را دارم. همچنین از جناب آقای دکتر حسین شعبانی استاد مشاور عزیز که مشاوره های حکیمانه و درست ایشان در پیشبرد کارم بسیار موثر بود تشکر و قدر دانی می نمایم. و در پایان از همسر مهربانم که با سعه صدر مرا مورد کمک و حمایت خویش قرار داده نهایت تشکر و قدردانی را می نمایم.

## چکیده

رفتار یا گفتار فریبکارانه (یکی از طرفین عقد ازدواج هنگام عقد یا قبل از آن) بعضی اوقات باعث می‌گردد طرف دیگر عقد را آنچنان مغرور سازد که وی درباره همسر آینده خود دچار اشتباه گردد لذا پس از عقد و روشن شدن حقیقت، دیگر حاضر به ادامه زندگی مشترک نشده و خواهان انحلال آن می‌گردد. مخفی کردن عیوبی که یکی از همسران دارا می‌باشند یا اظهار صفات کمالی که ندارند به قصد فریب طرف دیگر تدلیس محسوب شده و موجب پیدایش حق فسخ نکاح می‌گردد. همچنین سکوت عمدی از عیب و نقص به قصد فریب طرف دیگر می‌تواند موجب تحقق تدلیس در ازدواج شود.

در فقه امامیه راجع به تدلیس و شرایط تحقق آن و فسخ نکاح به سبب آن مطالبی بیان شده است. با این وجود مصادیقی از تدلیس در جامعه ما دیده می‌شود که با وجود شیوع آن حکم صریحی راجع به آن وجود ندارد. همانند تدلیس در صفت بکارت در حالی که می‌توان با مراجعه به سابقه مسئله و رجوع به عرف درباره هر یک از این موارد رویه واحدی اتخاذ نمود، مخصوصاً زمانی که شخص با سکوت عمدی خود راجع به عیب و نقصی که دارا است یا صفت کمالی که ندارد باعث گول خوردن طرف مقابل گردد، باید مغرور بتواند حق خود را استیفاء نماید و فریب دهنده را مجبور به جبران خسارت وارده بنماید.

در صورتی که شخص گول خورده نخواهد یا نتواند نکاح را فسخ کند می‌تواند برای گرفتن خسارت به فریب دهنده مراجعه کند و فرقی نمی‌کند فریب دهنده طرف عقد یا شخص ثالث باشد. در این پژوهش سعی شده است پس از ارائه تعریف تدلیس و شرایط پدید آوردن آن، خسارتهای ناشی از آن را نیز مورد بررسی قرار دهد و فرضیه صدق تدلیس بر فریبهای ناشی از معالجات پزشکی از جمله ترمیم بکارت، ایدز، صرع و مانند آن را اثبات نموده است که پیدایش حق فسخ و ضرورت جبران خسارت مادی و معنوی را از آثار مهم حقوقی آن به شمار آورده است.

**کلید واژه:** تدلیس، نکاح، تدلیس پزشکی، بکارت، صرع، ایدز، حق فسخ، جبران خسارت.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۶	<b>۱- کلیات</b>
۷	۱-۱- معنای لغوی و اصطلاحی تدلیس
۷	۱-۱-۱- تعریف لغوی تدلیس
۸	۱-۱-۲- تعریف اصطلاحی تدلیس
۱۴	۱-۱-۳- تعریف تدلیس پزشکی
۱۴	۱-۱-۴- تعریف تدلیس در عقد نکاح
۱۷	۱-۱-۵- پیشینه تدلیس
۱۹	<b>۱-۲- عناصر تدلیس</b>
۲۰	۱-۲-۱- عنصر قانونی
۲۱	۱-۲-۲- عنصر مادی
۲۲	۱-۲-۲-۱- تدلیس فعلی
۲۳	۱-۲-۲-۲- تدلیس قولی
۲۵	۱-۲-۲-۳- تدلیس سلبی (سکوت)
۲۶	۱-۲-۲-۳-۱- سکوت اختیاری و عمدی
۲۸	۱-۲-۲-۳-۲- سکوت در فقه امامیه
۳۱	۱-۲-۲-۳-۳- سکوت در عقد نکاح
۳۲	۱-۲-۳- عنصر معنوی تدلیس
۳۵	<b>۱-۳- شرایط تاثیر تدلیس</b>
۳۵	۱-۳-۱- فریب طرف عقد
۳۸	۱-۳-۲- تدلیس از ناحیه طرف عقد یا شخص ثالث
۴۰	<b>۱-۳-۳- نامتعارف بودن کار فریبنده</b>
۴۲	<b>۲- بررسی فقهی تدلیس</b>
۴۳	۲-۱- نظریات فقهای متقدم
۴۳	۱-۱-۲- موارد تدلیس در فقه امامیه
۴۳	۱-۱-۱-۱- تدلیس ماشطه
۴۷	۱-۱-۲-۱-۲- تدلیس در نکاح

۴۹	۲-۱-۲- مصادیق تدلیس در نکاح.....
۴۹	۲-۱-۲-۱- نسب.....
۵۱	۲-۱-۲-۲- صفت کمال.....
۵۲	۲-۱-۲-۳- بکارت.....
۵۷	۲-۱-۳- سکوت در نکاح.....
۵۷	۲-۱-۳-۱- تدلیس از ناحیه زوج.....
۵۸	۲-۱-۳-۲- تدلیس از ناحیه زوجه.....
۵۹	۲-۱-۳-۳- تدلیس شخص ثالث.....
۶۱	۲-۲- نظریات فقه‌های معاصر در زمینه برخی مصادیق تدلیس در نکاح.....
۶۳	۲-۲-۱- تدلیس در عیوب.....
۶۵	۲-۲-۲- تدلیس در صفت کمال.....
۶۶	۲-۲-۳- تدلیس در صفت بکارت.....

### ۳- بررسی فقهی و حقوقی تدلیسهای ناشی از معالجات پزشکی..... ۷۰

۷۰	۳-۱- تدلیس ناشی از پنهان نگه داشتن صرع یا مصرف دارو.....
۷۱	۳-۱-۱- انواع صرع.....
۷۴	۳-۱-۲- راههای پیشگیری.....
۷۴	۳-۱-۳- صرع و تدلیس در نکاح.....
۷۶	۳-۲- تدلیس ناشی از ترمیم بکارت.....
۷۶	۳-۲-۱- بررسی ساختار فیزیولوژیکی پرده بکارت.....
۷۷	۳-۲-۲- انواع پرده بکارت.....
۸۰	۳-۲-۳- جنس پرده بکارت.....
۸۱	۳-۲-۴- چگونگی پارگی پرده بکارت.....
۸۲	۳-۲-۵- شرط باکره بودن به صورت شرط ضمنی در عقد نکاح.....
۸۳	۳-۲-۶- راههای اثبات ازاله.....
۸۴	۳-۲-۷- تعیین نوع ازاله.....
۸۴	۳-۲-۸- تعیین تاریخ ازاله.....
۸۵	۳-۲-۹- ترمیم بکارت و تدلیس در نکاح.....
۸۷	۳-۳- تدلیس در بیماریهای عفونی - خونی و آثار مرتبت بر آن.....
۸۷	۳-۳-۱- ایدز.....
۸۸	۳-۳-۱-۱- علائم و نشانه ها.....
۸۹	۳-۳-۱-۲- راههای سرایت ویروس ایدز.....

- ۳-۳-۱-۳- راههای پیشگیری از بیماری ایدز..... ۹۰
- ۳-۳-۱-۴- مشکلات ناشی از ابتلا به ایدز..... ۹۲
- ۳-۳-۲- هیپاتیت B..... ۹۲
- ۳-۳-۲-۱- نشانه‌های بیماری هیپاتیت B..... ۹۳
- ۳-۳-۲-۲- مهمترین راههای انتقال هیپاتیت B..... ۹۴
- ۳-۳-۲-۳- راههای پیشگیری از هیپاتیت B..... ۹۵
- ۳-۳-۲-۴- ایدز و هیپاتیت و تدلیس در نکاح..... ۹۶

#### ۴- آثار فقهی حقوقی تدلیس در نکاح..... ۱۰۱

- ۴-۱- قواعد کلی فسخ نکاح..... ۱۰۲
- ۴-۱-۱- رضایی بودن فسخ..... ۱۰۲
- ۴-۱-۲- فوریت خیار فسخ..... ۱۰۲
- ۴-۱-۳- اسقاط و انتقال حق فسخ..... ۱۰۴
- ۴-۱-۴- بررسی فقهی حقوقی فسخ..... ۱۰۶
- ۴-۲- مطالبه جبران خسارت..... ۱۰۹
- ۴-۲-۱- مطالبه جبران خسارت در صورت فسخ نکاح..... ۱۰۹
- ۴-۲-۱-۱- فسخ نکاح قبل از نزدیکی..... ۱۱۰
- ۴-۲-۱-۲- فسخ نکاح بعد از نزدیکی..... ۱۱۴
- ۴-۲-۱-۳- میزان خسارات ناشی از تدلیس در فسخ نکاح بعد از نزدیکی..... ۱۱۵
- ۴-۲-۳- مطالبه خسارات در صورت عدم فسخ نکاح..... ۱۱۹
- ۴-۳- ضمانت اجرای کیفری تدلیس در نکاح..... ۱۲۱

#### نتایج..... ۱۲۴

#### منابع و مآخذ:..... ۱۲۷

## مقدمه

خانواده نخستین و مهمترین نهاد اجتماعی، عاطفی است که از قداست و ارزش بالایی در تعالیم اسلامی برخوردار است. لذا باید پایه این نهاد بر مهر و محبت و صداقت و یکرنگی گذاشته شود تا بتواند در مقابل تند باد مسائل و مشکلات گوناگون اجتماعی استوار بماند و هرگز دچار از هم پاشیدگی نگردد بنابراین زوجین از اولین لحظه آشنایی باید با صداقت و خلوص و یکرنگی همانند دو دوست واقعی بوده تا بتوانند این پیوند معنوی و مقدس را تا آخرین لحظه عمر حفظ نمایند.

در حقیقت زن و شوهر با عقد ازدواج کلاف زندگی و سرنوشت خود را به یکدیگر گره می زنند به نحوی که علاوه بر اقتران جسمی، روحشان نیز آنچنان به هم انس و الفت می گیرد که همانند یک روح در دو جسم می گردند. ازدواج عقدی است که صیغه و شائبه معنوی دارد و نمی توان آنرا معامله ای فرض نمود که هر یک از طرفین سعی در حفظ منافع خویش و کسب سود بیشتر دارند لذا طرفین حق ندارند به یکدیگر دروغ گفته یا خود را بر خلاف آنچه هستند وانمود کنند.

یکی از مشکلات امروز میان زوج های جوان که به واسطه آن کانون های خانوادگی در همان سال های اول از هم می پاشد، نبود صداقت و فریب خوردن یکی از طرفین یا اصطلاحاً فریب در ازدواج است که حجمی از پرونده های دادگاه های خانواده را به خود اختصاص می دهد و گاهی اوقات موجب بروز جنایت نیز می شود و فریب خورده به خاطر احساس شکست به خودکشی یا دیگر کشی دست می زند. و پایه زندگی زناشویی که بر اساس صداقت و اطمینان به یکدیگر و محبت گذاشته شده بود، لرزان و سست شده و بدبینی و تنفر و عدم اطمینان به زندگی جای آن را فرا می گیرد.

در این موقع شرع و قانون برای حفظ بنیان خانواده و حمایت از آن دست به قوانینی زده تا علاوه بر اینکه حالت پیشگیرانه برای خانواده ها دارد، ضمانت اجرای برای شخص فریب خورده وجود داشته باشد که در پناه آن بتواند شخص فریب خورده از خود دفاع نموده و به حقوق خود دست یابد.

بروز این نوع فریب‌ها در حالی است که براساس آموزه‌های دینی، دروغ و نیرنگ امری نکوهیده است و جامعۀ ایرانی همواره بر لزوم رعایت صداقت تاکید دارد؛ با این حال گرایش عمومی جامعه به تشریفات و برخی سنت‌های نادرست دلیلی شده، تا برخی افراد برای دست یابی به اهدافشان به فریب و حيله روی بیاورند.

در این زمینه علمای معاصر و مراجع تقلید در ضمن بیان مسائل شرعیه و جواب از استفتائاتی که از آنها راجع به مسائل تدلیس در عقد ازدواج شده است، مسائل تدلیس موارد و احکام آن را بیان نموده‌اند، با این وجود کلام فقها و حقوق دانان راجع به تدلیس در نکاح به گونه ای است که بسیاری از موارد تدلیس را در اجتماع کنونی ما تحت پوشش قرار نداده یا مبهم گذاشته چه مواردی که مربوط به تدلیس در عیوب می گردد همانند کسی که مبتلا به سرطان، ایدز یا صرع و بیماریهای خطرناک و واگیردار می باشد و چه مواردی که مربوط به تدلیس در صفات کمال می شود همانند تدلیس در صفت بکارت یا تدلیس در شغل و عنوان خاص و موارد متعدد دیگری که هم اکنون در جامعه ما مطرح است و امید است که برای این مشکلات نیز راهکارهای علمی متناسب با حقوق خانواده از طریق مطالعه و بررسی های فقهی و حقوقی فراهم گردد.

## ضرورت تحقیق

در جامعه کنونی موارد متعددی از تدلیس دیده می‌شود که این موارد هم شایع هستند و هم در لابلای پرونده های دادگاه به چشم می‌خورند. اما از سویی دیگر برخی از این موارد نوظهورند و در گذشته نه چندان دور نمودی نداشته‌اند حتی در بحث ازدواج نیز مطرح نبوده‌اند. زیرا اینها مواردی هستند که نشانه ظاهری ندارند بلکه چنان مخفی و یا باطنی اند که به راحتی مورد تدلیس واقع می‌شوند اما با پیشرفت علم پزشکی برخی از این بیماریها قابل درمان و برخی دیگر بلا درمان می‌باشند. به طور خلاصه می توان گفت فقط از طریق راههای پزشکی می توان به وجود برخی از آنها پی برد لذا از مهمترین دلایلی که

موجب شده است این مبحث را به عنوان موضوع تحقیق خود انتخاب کنم موارد زیر می باشند.

- ۱- عدم کفایت یا اجمال مقررات موجود
- ۲- مورد مبتلا بودن این موضوع برای خانواده ها، دادگاهها و وکلای دادگستری لذا این بحث فایده عملی دارد.
- ۳-ارایه نظریه برای شکل گیری رویه قضایی.

## سوالات تحقیق

- ۱- معیار و مفهوم تدلیس پزشکی چیست؟
- ۲- مصادیق تدلیس پزشکی در نکاح کدامند؟
- ۳- احکام مترتب بر تدلیس پزشکی در نکاح چیست؟

## فرضیات تحقیق

- ۱- تدلیس ناشی از معالجات پزشکی: عبارت است از هر تغییر در فیزیک جسم انسان که موجب فریب یکی از متعاقدين در عقد نکاح می شود.
- ۲- ترمیم بکارت، ترمیم زیبایی، استفاده از داروهایی که اثر مقطعی و موقت دارند و عیب را می پوشانند از مصادیق تدلیس ناشی از معالجات پزشکی هستند.
- ۳- تدلیس پزشکی موجب حق فسخ نکاح می گردد.

## اهداف تحقیق

در این تحقیق سعی بر آن است که معدودی از موارد متعدد تدلیس پزشکی مورد بررسی پزشکی و فقهی قرار گیرد و حکم هر یک مورد بررسی قرار گرفته تا راهی فرا سوی دیگران برای حل این مسئله باشد و همچنین توسعه دانش فقه و آگاه کردن

خانواده‌ها برای جلوگیری از آسیب وارده از این نوع تدلیس و ارائه راهکارهای علمی متناسب با حقوق خانواده از طریق مطالعه و بررسی‌های فقهی و حقوقی صورت گیرد.

## کاربرد تحقیق

۱- تدوین قوانین در زمینه حقوق خانواده

۲- بهره‌گیری قضات جهت شکل‌گیری رویه قضایی

## سابقه و مشکلات تحقیق

درست است که درمورد تدلیس در نکاح رساله‌ها نوشته و مقالات بسیاری وجود دارد؛ اما در خصوص این موضوع که آیا تدلیس پزشکی هم تدلیس است یا خیر پژوهش بسیار کمی انجام شده است. مشکلاتی نیز در مسیر جمع‌آوری اطلاعات و تدوین وجود داشت که از آن جمله می‌توان به محدودیت‌هایی که در استفاده از برخی کتابخانه‌ها و سایت‌های تخصصی وجود داشت اشاره کرد.

## روش جمع‌آوری مطالب

در این تحقیق روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای می‌باشد چرا که با فیش برداری مطالب مربوط به مسئله از کتب مختلف فقهی-حقوقی و همچنین نرم‌افزارهای فقهی مطالب گردآوری شده است.

## روش تحقیق

روش تحقیق تحلیلی - استنتاجی می‌باشد

## طرح کلی مسئله

این تحقیق در چهار فصل تدوین شده است که فصل اول آن به کلیات اختصاص یافته است و مطالب این فصل نیز تحت سه بخش کلی با عناوین شناخت مفاهیم، عناصر و شرایط تدلیس ارائه گردیده است. در فصل دوم بررسی فقهی ماهیت تدلیس در دو بخش از دیدگاه فقهای معاصر و متقدم مورد بررسی قرار گرفته است در فصل سوم به شرح مواردی از تدلیس می پردازیم که در اجتماع امروزی بیشتر رایج و مبتلا به است همانند بیماریهای صرع، ایدز، هپاتیت و ... در پایان نظر فقهارا در مورد این بیماریها بیان کرده ایم. در فصل چهارم به آثار تدلیس در نکاح پرداخته که در بخش اول به شرایط فسخ نکاح و در بخش دوم راجع به مطالبه جبران خسارت مطالبی بیان شده است.

# فصل اول

## ۱-۱- معنای لغوی و اصطلاحی تدلیس

### ۱-۱-۱- تعریف لغوی تدلیس

تدلیس واژه‌ای عربی است که مصدر باب تفعیل و از ماده دلس می‌باشد (به فتح لام و دال) به معنای تاریک ساختن و پوشاندن واقع است و در المنجد، دلس، پوشاندن عیب آنچه که به مشتری فروخته می‌شود معنی شده است.<sup>۱</sup>

در لغت نامه دهخدا تدلیس چنین معنا شده است: «مصدر عربی به معنای پنهان کردن عیب کالا بر مشتری یا عیب متاعی را پوشاندن چنانکه بایع متوجه نشود مانند تدلیس ماشطه که زن زشت را زیبا جلوه دهد تا شوی راغب شود».<sup>۲</sup>

و نیز در تعریف تدلیس گفته شده است: «التدلیس فی البیع کتمان عیب السعله عن مشتری... و لا یخص بالبیع».<sup>۳</sup> یعنی تدلیس در بیع، پوشاندن عیب کالا از مشتری است... و مختص به بیع نمی‌باشد. بنابراین هرگاه فروشنده مالی، برای فریفتن خریدار، وصفی موهوم را به کالای خود نسبت دهد یا عیبی را که در آن است بپوشاند، گویند در معامله تدلیس کرده است.<sup>۴</sup> و تدلیس در معاملات متفاوت می‌تواند رخ دهد.

در فرهنگ معین آمده است: «تدلیس یعنی فریبکاری، فریب دادن، پنهان کردن عیب چیزی».<sup>۵</sup>

۱- معلوف لیس، المنجد، ص ۲۲۲.

۲- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ فارسی دهخدا، ج ۲، ص ۵۰۵.

۳- زبیدی، محمد رضا، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۲ ص ۸۴- معجم المقایس اللغه لابی حسین احمد زکریا تحقیق عبد السلام محمد هارون، ج ۲ (بی جا: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی بی تا)، ص ۲۹۶- ابن منظور، لسان العرب، ص ۸۶- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۷۱- محمد رضا قنبری، نقل از مقاله تدلیس در تحولات حقوق خصوصی، مجموعه مقالات حقوقی، زیر نظر ناصر کاتوزیان ص ۱۱۱.

۴- عاملی، محمد جواد، مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۶۶۴.

۵- معین، محمد، فرهنگ معین، ص ۱۰۵۶.

و در فرهنگ عمید آمده است: «تدلیس یعنی پنهان کردن و پوشاندن عیب چیزی، عیب خود یا کالای خود را پنهان ساختن، فریب دادن».<sup>۱</sup>

در المنجد آمده است: «دلس یعنی فریب دادن و گول زدن تدلیس یعنی فریب، نیرنگ، مکر».<sup>۲</sup> و در المنجدالطلاب نیز آمده است: «دلس البایع یعنی فروشنده عیب کالای خود را از مشتری پوشاند. لذا تدلیس به معنای پوشاندن و پنهان کردن عیب چیزی معنا می‌دهد».<sup>۳</sup>

در زبان انگلیسی تدلیس برابر است با «misrepresentation» و قلب واقعیت معنا شده است.<sup>۴</sup>

تدلیس از باب تفعیل از مصدر دلس و به معنای ظلمت می‌باشد و همین را دکتر فیض چنین بیان کرده‌اند: «تدلیس بر وزن تفعیل از دلس به فتح دال و لام و دلس به معنای تاریکی است. تدلیس آن است که کسی به وسیله کارهای خود واقع را از نظر پوشاند، آنچنان که تاریکی چشم را از دیدن باز می‌دارد.

## ۲-۱-۱- تعریف اصطلاحی تدلیس

معنای اصطلاحی تدلیس در متون فقهی و حقوقی نزدیک به معنای لغوی آن، ولی از جهتی گسترده‌تر از آن است. در این متون تدلیس آن است که یکی از دو طرف عقد کارهای فریبنده و نیرنگ آمیز انجام دهد، یا این کار با آگاهی او صورت گیرد و به سبب آن کارها، کالای مورد معامله یا شخص طرف عقد، فاقد عیب یا نقص موجود یا واجد کمال غیر موجود نمایانده شود و با اغوای طرف دیگر عقد، وی به انعقاد آن برانگیخته شود.<sup>۵</sup>

۱- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۵۵۴.

۲- المنجد، ترجمه احمد سیاح، ص ۵۷۱.

۳- بندر ریگی، محمد، ترجمه المنجدالطلاب، ص ۱۶۱.

۴- کشاورز، بهمن، فرهنگ حقوقی انگلیسی به فارسی، ص ۲۵۷.

۵- شهید ثانی، الروضه البهیة، ج ۳، ص ۵۰۰، ج ۵، ص ۳۹۶. نجفی، محمد بن حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع اسلام، ج ۱۰، ص ۸۴۵.

پس هر گاه فروشنده مالی، برای فریفتن خریدار، وصفی موهوم را به کالای خود نسبت دهد یا عیبی را که در آن است بپوشاند، گویند در معامله تدلیس کرده است.<sup>۱</sup> و تدلیس در معاملات متفاوت می تواند رخ دهد.

بنابراین در تدلیس همیشه نوعی تقلب و ریا وجود دارد و نیرنگ باز بی اعتنا به شرافت شغلی و درستکاری متعارف، از اعتماد طرف معامله برای گول زدن او استفاده می کند به همین جهت تدلیس در قرارداد با کلاهبرداری قرابت دارد و عنصر مهمی که موجب تمییز بیان تدلیس و سایر موارد مشابه آن می شود همین تقلب و ریا می باشد. بر این اساس تدلیس علاوه بر پوشاندن عیب اظهار کمال غیر موجود را نیز در بر می گیرد.

در فقه تدلیس را در باب نکاح، معمولاً مطرح می سازند و فقها در متون فقهی در زمینه معاملات دیگر و در مبحث اختیارات از تدلیس به عنوان خیاری مستقل بحث کرده اند.

شیخ انصاری در تعریف تدلیس چنین می فرماید: «هو إظهار صفة کمال فی المرأه مع انتفائها عنها أو إخفاء صفة نقص» شیخ اعظم تدلیس را نمایاندن صفت کمالی که در زن نیست و مخفی نمودن نقصی که در او می باشد تعریف نموده اند.<sup>۲</sup>

در مفتاح الکرامه آمده است که گرچه معنای لغوی تدلیس پوشاندن عیب متاع از مشتری است اما آنچه بین فقها معروف است، خلاف این است زیرا ایشان تدلیس را اطلاق می کنند بر کتمان وصف و اظهار صفت کمال هر چند عیب نباشد، همچنین تدلیس را منحصر به متاع نمی کنند مثل بحث در مورد تدلیس ماشطه.<sup>۳</sup> و ضابطه ای که برای وصف ذکر می کنند، عقلایی بودن آن است یعنی از نظر عقلا این شرط متعارف و مقصود باشد، هر چند که خلاف آن وصف از جهت قیمت ارزش بیشتری داشته باشد.<sup>۴</sup>

---

۱- عاملی، محمد جواد، مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۶۶.

۲- انصاری، مرتضی، المکاسب، ص ۴۵۳.

۳- عاملی، محمد جواد، مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۶۴۴.

۴- همان منبع، ص ۶۴۵.

بعضی در تعریف تدلیس چنین گفته‌اند: «التدلیس هو التغیر و التمیوه باخفاء نقص موجود أو ادعاء کمال غیر موجود». یعنی تدلیس عبارت است از مغرور ساختن و فریب دیگری با پوشاندن نقصی که وجود دارد یا ادعای کمالی که وجود ندارد.<sup>۱</sup>

بعضی از نویسندگان نیز در تعریف تدلیس چنین گفته‌اند: «ادعای کمال غیر موجود یا اخفاء نقص موجود است».<sup>۲</sup>

بعضی دیگر نیز چنین گفته‌اند: «التدلیس بما یختلف الثمن بسببه کتحمیر الوجه و وصل الشعر والتصریه فی الشاء».<sup>۳</sup> و در مختلف الشیعه می‌گویند: «التدلیس فانه إذا شرط أنه حر فخرج عبداً أو انتسب إلى قبیله فخرج بخلافها سواء كان أعلى منها أو ادنی».<sup>۴</sup> یعنی هر آنچه که سبب شود ارزش جنس تفاوت پیدا کند تدلیس است مثلاً دختری که صاحب گونه‌های سرخ نیست گونه‌هایش را سرخ کنند و وانمود نمایند که چنین است حال آنکه ارزش دختری که دارای چنین خصوصیتی است با فاقد آن متفاوت است و یا خود را به فلان قبیله معروف یا غیر معروف نسبت دهد حال آنکه چنین نسبتی ندارد.

برخی دیگر آورده‌اند: «هو اظهار المره او غیرها علی غیر واقعها کلعلجوز تدلیس فیتخیلُ أنها شابه».<sup>۵</sup> یعنی زوجه خود را غیر واقعی که هست جلوه دهد. مثلاً ۴۰ سال سن دارد اما خود را چنان بیاراید که گمان شود ۲۵ ساله است.

در جامع المقاصد آمده است: «التدلیس تفعیل من المدلسه و هی المخادعه المراد هذا کتمان عیب و الدلس محرکه الظلمه، لی أتى بالمعيب الی المخدوع و قد کتم علیه اتاه به فی الظلمه هذا هو اصل المعنی» یعنی ایشان تدلیس را به معنای فریب دادن و تاریکی معنا

۱- مغنیه، محمد جواد، فقه الامام جعفر الصادق، ج ۵، ص ۲۶۰.

۲- یشربی قمی، علی محمد، حقوق خانواده در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۲۷.

۳- علامه حلی، قواعد احکام، ج ۲، ص ۷۶.

۴- علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۷، ص ۱۹۸.

۵- محقق حلی، شرایع اسلام، ج ۲، ص ۵۴۲.

نموده‌اند و در اصطلاح یعنی اینکه عیبی را بپوشانند و وانمود نمایند که فاقد آن عیب می باشد.<sup>۱</sup>

بعضی در تعریف تدلیس چنین گفته‌اند: «تدلیس» در لغت به معنای فریب دادن و نشان دادن چیزی برخلاف واقع است. و در اصطلاح عبارت است: از توصیف زن یا مرد به طوری که موجب اشتباه و فریب خوردن طرف دیگر در امر ازدواج شود؛ مانند نگفتن عیب‌های او یا ذکر کردن صفاتی که او ندارد و... به عنوان مثال بگویند: او دکتر یا مهندس و... است که اگر این اوصاف گفته نمی‌شد و یا عیوب او بیان می‌گردید، طرف مقابل راضی به ازدواج نمی‌شد.<sup>۲</sup>

شهید ثانی نیز با توجه به معنای لغوی تدلیس که تاریک گردانیدن، ابهام غیر واقع و به اشتباه انداختن است آنرا چنین تعریف کرده‌اند: «... و هو الظلمة کان المدلس یظلم الأمر و هو بیهمه حتی یوهم غیر الواقع...»<sup>۳</sup> یعنی: عبارت است از تاریک گردانیدن، گویا مدلس امر را تاریک گردانیده و آنرا مبهم می‌سازد تا اینکه دیگری غیر واقع را واقع توهم کند. و نیز می‌فرماید: «التدلیس تفصیل من الدلس و هو الظلمه و أصله من المخادعه و قد کتم علیه عیبه أتاه به فی الظلمه و خدعه»<sup>۴</sup> یعنی تدلیس عبارت است از تاریکی و فریب دادن و پنهان کردن عیبی که موجود است.

در مصباح الفقاهه آمده است که تدلیس از لحاظ لغوی عبارت است از مشتبه ساختن حقیقت امر بر دیگری یا مخفی ساختن عیب کالا از مشتری و پنهان ساختن آن یا اظهار نمودن کمالاتی که در کالا نمی‌باشد و از لحاظ فقهی نیز همین معنا را دارد و نتیجه گرفته می‌شود که صرف ایجاد کردن رغبت و انگیزه در مشتری تدلیس محسوب نمی‌شود و

---

۱- محقق ثانی، جامع القاصد، ج ۱۳، ص ۲۵۷.

۲- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، التدلیس، ص ۱۳، ۲۹۵، فاضل لنگرانی، محمد، جامع المسائل، ج ۱، ص ۱۴۹۹.

۳- شهید ثانی، الروضه البهیة، ج ۱، ص ۳۸۱.

۴- شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۸، ص ۱۳۹.